افریقا: فرستی در دسترس

عادلی، سید محمد حسین

قاره آفریقا اگر چه هنوز در تلاش است تا خود را از سیاه‏بختی و عقب‏ماندگی‏ برهاند،اما واقعیت این است که در طول دویست سال گذشته موجب سفیدبختی‏ و توسعه بسیاری از کشورهای جهان پیشرفته امروز شده است.

ماجراجویان اروپایی و آمریکایی در طول دویست سال گذشته در جستجوی‏ ثروت به آفریقا رفتند و هر یک توانستند بخشی از این قاره غنی را بگیرند و از ثروتهای آن بنحوی بیش و کم استفاده کنند.گروهی از آنان از نیروی انسانی‏ آفریقا استفاده کردند و آفریقایی‏ها را برای کار بدنی و ساده به بردگی کشیدند و به سرزمین خود بردند و گروهی دیگر آنها را جهت استخراج معادن و دیگر ثروتهای موجود در آن سرزمین بکار کشیدند.همه کسانی که از اروپا و آمریکا به آفریقای سیاه وارد شدند برای خود پایگاه یا پایگاههای متعدد ایجاد کردند و آن بخش را از آن خود ساختند،زبان و فرهنگ خود را گسترانیدند و تا حدودی‏ به آبادانی پرداختند.در برخی از بخشهای آفریقا که سفیدپوستان مناسب‏ تشخیص دادند خود سالیان دراز ماندند و حکومت اقلیت سفیدپوست تشکیل‏ دادند.حکومت سفیدپوست رودزیا و پرتوریا در زیمبابوه و آفریقای جنوبی‏ از آن جمله‏اند.به هر ترتیب اغلب کسانی که به آفریقای رفتند دست خالی‏ برنگشتند.برخی از آنان هم برای خود بردند و هم مقداری آبادانی و توسعه‏ برای سرزمین تحت سلطه خود باقی گذاشتند.

البته نباید این مهم را از نظر دور داشت که متاسفانه بسیاری از این گروهها اعم‏ از اروپایی و یا آمریکایی برای استفاده از ثروتهای آفریقا به شیوه‏های غیرانسانی‏ متوسل شدند و حقوق بشر را به اشکال مختلف زیر پا گذاشتند،مردم رابه بند و برده‏داری کشیدند،حقوق اساسی سیاسی را از آنان سلب کردند و بدون شک‏ موجبات عقب‏ماندگی آنها را فراهم آوردند.اما خوشبختانه در دهه 60 و 70 میلادی بتدریح کشورهای آفریقایی به استقلال رسیدند و دو حکومت اقلیت‏ سفیدپوست رودزیا و پروتوریا نیز شکست خورد و دولت ملی اکثریت تشکیل‏ شد.این فرایند خود حدیث مفصلی است که در این مقال و مجال مختصر در پی‏ بحث درباره آن نیستیم و فقط از آن رو به آن اشاره شد که مغفول نیافتد.

اما توجه به این واقعیت نیز ضروری است که گروههای اولیه که به جستجوی‏ ثروت رفتند یا در پی کشف ابناء بشر در بخشهای مختلف کره زمین دست به‏ ماجراجویی زدند،همه از یک خصوصیت مشترک برخوردار بودند و آن ویژگی‏ جسارت داشتن و آمادگی برای تقبل هزینه‏های آن بود.اگر به کتابهای نوشته‏ شده غربی‏ها و بویژه خاطرات پیشقراولان و پییشگامان کشف آفریقا رجوع شود پر است از خاطره‏های هولناک و چالش‏هایی که در بسیاری مواقع جان می‏ستاند. بسیاری از این پیشگامان دچار حوادث شده و جان می‏باختند،برخی از آنان‏ توسط قبایل بومی دستگیر شده و در برابر دوستانشان کشته می‏شدند.بنابراین‏ بدون آنکه بخواهیم یک موضع‏گیری ارزشی در این خصوص داشته باشیم به‏ صراحت باید اعتراف کرد که همه آنها برای دستیابی به هدف تحمل رنج و تقبل‏ هزینه کردند تا به جایی رسیدند.

بنابراین تا همین جا از سرگذشت و تاریخ تعامل بین گروههای خارجی و آفریقایی‏ها می‏توان لااقل به این نتیجه رسید که اغلب این گروهها بیش و کم به‏ هدف خود در آفریقا دست یافتند و با دستی پر بازگشتند.اما در عین حال هزینه‏ لازم را هم پرداختند و این دو نکته دو روی یک سکه است که در هر کاری باید آنرا قبول کرد.

اما امروز بسیاری شرایط دگرگون شده و آن شیوه‏ها بکلی تغییر یافته است. کشورهای ملی بوجود آمده و آفریقائیان بیدار شده و در بسیاری از نقاط زمان امور خود را بدست گرفته‏اند و برای توسعه خود سخت در تلاش‏اند.کشورهای‏ آفریقایی امروز از مهمترین عناصر و اجزاء تشکیل دهنده گروه کشورهای در حال‏ توسعه جهان بشمار می‏آیند.بسیای از کشورهای در حال توسعه دیگر نیز در صددند که با ایجاد یک تعامل مناسب با این قاره هم به توسعه خود و هم‏ به توسعه آفریقا کمک کنند.حضور کشورهای در حال توسعه فاقد سابقه‏ استعماری برای کشورهای آفریقایی فرصتی بسیار مغتنم است چرا که این‏ کشورها در چهارچوب افزایش همکاری موسوم به جنوب جنوب با این قاره‏ همکاری می‏کنند.این همکاری منافع دو طرف را دربر خواهد داشت و به‏ پایمال شدن حقوق آفریقا منجر نخواهد شد.امروزه کشورهای زیادی چون‏ چین،کره و مالزی در بسیاری از کشورهی این قاره مشغول فعالیت هستند. ایران نیز از سالهای بعد از پیروزی انقلاب نگاه تازه‏ای به آفریقا پیدا کرد و بیش و کم در برخی نقاط آن به همکاری و کمک پرداخت.اما اکنون در مرحله‏ای‏ قرار دارد که باید رویکرد تازه‏تری داشته باشد و در این زمینه فعالتر حرکت کند. در این میان نکات زیر باید مد نظر قرار گیرد:

1-نوع همکاری ما با آفریقا در دو دهه گذشته بیشتر از نوع کمک بوده است تا طراحی نوعی همکاری اقتصادی.امروز زمان آن فرا رسیده که با آفریقا همکاری فعال اقتصادی داشته باشیم.باید چهارچوب‏های مشارکت در تولید و بازار را با این قاره فراهم کرد.باید در آفریقا سرمایه‏گذاری مشترک انجام داد تا حضوری پایدار بیابیم.این بدان معنی نیست که کمکهای ایران قطع شود بلکه‏ از این طریق می‏توان کمک موثرتری نیز بعمل آورد.

2-آفریقا همچنان به صورت قاره فرصتها باقی مانده است.هنوز کسانی که‏ با انگیزه و با برنامه به آنجا می‏روند دست خالی برنمی‏گردند.بنابراین باید به‏ آفریقا به صورت یک فرصت نگاه کرد.همان فرصتی که سالها مورد استفاده‏ دیگران بوده است.در عین حال باید پذیرفت که برای استفاده از این فرصت‏ چالش‏های مختلفی وجود دارد که همه آنها با برنامه‏ریزی قابل حل هستند. امروز نوع چالش‏ها تغییر یافته و به چالش‏های دوران استعمار شباهت ندارد اما همچنان نیاز به تدبیر و سرمایه‏گذاری دارند.

3-در کشورهای آفربقا نهادها و شیوه‏های حاکم بر اساس فرهنگ همان‏ گروههایی است که برای نخستین بار به آن سرزمین آمده‏اند.گروهی به اصطلاح‏ فرانکوفون یا فرانسوی زبان و گروه دیگری آنگلوفون یا انگلیسی زبان هستند. طبیعی است که در این سرزمین‏ها نهادها،شیوه‏ها،شرکتها و گروههای فرانسوی، انگلیسی یا حتی پرتغالی،هلندی و اسپانیولی حاکم باشند و در بسیاری از امور و فعالیتهای اقتصادی عمدمه و اصلی نقش مهمی ایفاء کنند.بنابراین حضور در این سرزمین‏ها باید با برنامه‏ریزی دقیق صورت پذیرد.

4-کشورهای در حال توسعه دیگری نظیر چین،کره و مالزی روز به روز بر حضور و فعالبت خود در همه زمینه‏های تولیدی و خدماتی در این قاره می‏افزایند.

در این صورت گروههای متعلق به این کشورها هم می‏توانند شریک خوبی‏ برای ما باشند و هم می‏توانند رقیب سرسختی به شمار آیند.این واقعیت‏ها را باید در طراحی همکاری خود مورد توجه خاص قرار داد دهیم.

5-بسیاری از کشورهای آفریقایی در خلال یک دهه اخیر دست به اصلاحات‏ اقتصادی گسترده‏ای زده‏اند.گروهی از آنان دارای قوانین بسیار مناسب برای‏ سرمایه‏گذاران خارجی هستند و همه گونه تسهیلات برای همکاری اقتصادی‏ خارجی فراهم کرده‏اند.در تعدادی کثیری از کشورهای آفریقایی ثبات سیاسی‏ ایجاد شده و حکومت‏های غیر نظامی و روش دموکراتیک برگزیده شده است.

بنابراین وضع اقتصادی و سیاسی مناسبی برای فعالیت وجود دارد.مردم این‏ کشورها مردمی صمیمی با فرهنگی غنی و مسالمت‏آمیز هستند که محیط اجتماعی‏ را برای سرمایهم گذار خارجی محیط قابل تحمل و حتی دوست داشتنی می‏گرداند.

6-با وجود فعالیت‏ها انجام شده توسط افریقاییان سرزمین‏های دیگر، هنوز به جرات می‏توان گفت که آفریقا سرزمین بکری است برای انواع‏ فعالیتهای اقتصادی.

در سفر اخیر وزیر امور خارجه به سه کشور سنگال،غنا و نیجریه که گروه‏ قابل توجهی از مدیران بنگاههای خصوصی و دولتی نیز همراه بودند متوجه‏ شدیم با توجه به توان و قابلیت‏های اقتصادی کشورمان فرصت همکاری در بسیاری از بخش‏ها وجود دارد.در اغلب کشورهای آفریقا در بخش آب‏ و برق فرصتهای بسیاری موجد است.در زمینه خودرو،حمل و نقل اعم از شهری و بین شهری،عمومی و خصوصی نیازمندی وجود دارد.در بخش‏ کشاورزی فرصت سرمایه‏گذاری پربازده فراهم است.در بخش ساختمان و پروژه‏های زیر بنایی نیازمندیهای زیادی بچشم می‏خورد.تولید مواد غذایی و تولیدات صنعتی زمیه بسیار خوبی دارد.در بخش ساختمانی،لوازم منزل از همه نوع آن فرصت‏های مناسبی موجود است.در بخش خدمات نیز اعم از خدمات رایانه‏ای و ارتباطات و یا خدمات مشاوره‏ای و مهندسی نیازمندی‏ زیادی به چشم می‏خورد.

بهر حال این سفر از نوادر مواقعی بود که همه اعضاء هیات در همه بخشها فعال بودند و هر یک توانستند در بخش خود فرصت مناسبی را شناسایی کنند و همین امر یعنی شناسایی فرصت و در برخی موارد حتی انعقاد قرار داد در فاصله کمتر از دو روز مؤید فراوانی فرصتهاست و نشان می‏دهد که فرصت‏ها منتظر همت‏اند.

7-از مهمترین چالش‏هایی که در این کشورها بطور آشکار وجود دارد و البته در کشورهای مختلف نیز بدرجات کاملا متفاوتی موجود می‏باشد بحث‏ فساد اداری‏است.این مشکل باعث پیجیده شدن نظام انجام فعالیتهای اقتصادی‏ شده است و بهمین لحاظ در میزان هزینه سرمایه‏گذاری و هزینه ریسک اثر می‏گذارد و نیازمند تدبیر مناسب است.

8-آخرین نکته در این مجال مختصر بیان این واقعیت است که هم بخش‏ خصوصی و هم بخش دولتی ما هر دو هنوز به اندازه کافی بین‏المللی نشده‏اند. هر دو هنوز نیازمند راهنمایی و کمک برای حضور فعال و موثر در خارج از کشور هستند.

بنگاههای ما اغلب فاقد بخش بین‏المللی فعال و آشنا به زبان، امور قراردادها،اطلاعات درباره کشورها و حتی افراد آماده به خدمت در کشورهای خارج بقدر کافی هستند.برای حضور در بازارهای بین‏المللی‏ نیاز به گروههای آماده این کار داریم.گروههایی که به زبان خارجی تسلط داشته باشند،بتوانند بخوبی مذاکره کنند،آماده تعامل با فرهنگ‏های دیگر باشند و البته در عین حال فرهنگ خود را فراموش نکنند،به مسایل حقوقی‏ و قرار دادهای بین‏المللی آشنایی کافی داشته باشند.ما از این دست افراد بسیار کم داریم و بسیاری کم تربیت کرده‏ایم.از طرف دیگر دولت ما نیز فاقد ساز و کار حمایت از حضور بین‏المللی بنگاههاست.علاقمند به حضور بنگاهها در صحنه بین‏المللی هست ولی حاضر نیست برای این مهم سرمایه‏گذاری لازم‏ را انجام دهد.آماده نیست اعتبار و وام دهد.

توانایی تضمین سرمایه‏گذاری‏های بنگاههای ایرانی در خارج را ندارد و هنوز نتواسته است بطور منظم و با چهار چوبی مناسب آنها را هماهنگ کند.بانک توسعه صادرات،صندوق ضمانت صادرات، سازمان جدید التاسیس تجارت خارجی گرچه تلاشهایی دارند ولی‏ هنوز اندر خم یک کوچه و آنهم کوچه اول هستند.کلام آخر اینکه آفریقا یک فرصت است که نباید آنرا از دست داد ولی بی‏تردید پیش نیاز استفاده‏ مطلوب از فرصت‏هایی از این دست در صحنه اقتصاد بین‏المللی و بازارهای جهانی،بین المللی شدن بنگاههای و ایجاد ساز و کار حمایتی‏ لازم از سوی دولت است.